

گفتمان قرآن پژوهی

﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ﴾ (اعراف/۱۷۱)

حسین طاهری وحدتی^۱

چکیده

قرآن کتاب هدایت است. آموزه‌های آن در صورتی دست‌یافتنی می‌باشد که رویکرد مخاطبان آن معرفت‌شناسانه باشد. در غیر اینصورت محجور است و ارتباطی به زندگی فردی و اجتماعی ما ندارد. این نوشتار کوتاه، نگاهی است تأمل‌گرایانه به تناسب میان حجم فعالیت‌های قرآن (به‌ویژه در حوزه پژوهش) و انطباق آن بر فرهنگ رفتاری و اعتقادی و میزان کنش‌پذیری ما از آنها که احساس می‌شود رضایت‌بخش نیست؛ نکاتی نیز به عنوان راه‌کار مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: پژوهش قرآنی، گفتمان قرآن پژوهی، تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآن.

توسعه گفتمان قرآنی به وجود آمده در جامعه اسلامی ایران در سی و چند سال اخیر، به برکت پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی به رهبری امام خمینی علیه‌السلام است. این فرایند از همان آغازین روزها شروع شد و همچنان ادامه دارد. نمادهای آن هم در شکل‌هایی متنوع ظهور کرد؛ از اهتمام به قرائت و حفظ آن گرفته تا تأسیس مراکز قرآن پژوهی، محافل قرآنی،

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مجله مشکوة.

پژوهشکده‌ها، دانشگاه‌ها، سایت‌ها، نشریات، مقالات قرآنی، تولید نرم افزارهای قرآنی، همایش‌ها، جشنواره‌ها و فعالیت‌های هنری مرتبط با قرآن. این حجم گسترده فعالیت‌های قرآنی، پدیده مبارکی بوده و هست که از آثار فرهنگی درجه اول نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. امروزه ما شاهد هزاران اثر مرتبط با قرآن و پژوهشگری در این کتاب زندگی ساز هستیم که سزاوار است از آنها به عنوان سرمایه‌های قرآنی یاد کرد؛ سرمایه‌هایی که به آسانی به دست نیامده‌اند؛ به ویژه حمایت‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای که همواره برای فعالان قرآنی امید بخش و انگیزه آفرین بوده است. باید آنها را حفظ کرد و مدیریت نمود و درموردی هم لازم است آسیب شناسی شود که برارباب نظر و معرفت پوشیده نیست.

اما با همه این فعالیت‌های انبوه قرآنی جای این پرسش هست که آیا به موازات آن، بازخورد عملی و تأثیرات آموزه‌های قرآنی در رفتار فردی و اجتماعی ما رضایت بخش بوده است؟ و به تعبیر امام علی علیه السلام که فرموده‌اند قرآن را به استنطاق دریاورید، توانسته‌ایم ارتباط منطقی و عقلانی با این کتاب حیات بخش برقرار کنیم؟ البته پاسخ دقیق و علمی به این پرسش کاری بسیار دشوار است و به یک پژوهش علمی - اجتماعی نیاز دارد؛ اما عجاله و با نگاهی اجمالی به وضعیت فرهنگ، اخلاق، اقتصاد و سیاست، با برخی از واقعیت‌های تلخ و انکارناپذیر روبه‌رو می‌شویم که نشان می‌دهد رابطه الگوپذیری و عبرت‌گیری ما از آموزه‌های قرآنی در اندازه مطلوب نسبی نیست. در همه لایه‌ها و طبقات اجتماعی این مسئله، قابل مشاهده است و نمی‌توان از کنار آن بی تفاوت عبور کرد.

شاید پندارهایی وجود داشته باشد که طرح این موضوع را غیر ضرور تلقی کند و اینکه جامعه ما مذهبی است و گرایش‌های قرآنی هم روز به روز در حال شکوفایی بیشتر است، اما پدیده‌های فراوان نا بهنجار اجتماعی و اخلاقی، از چیز دیگری حکایت دارد و اگر درست نشانه شناسی صورت پذیرد، خواهیم دید که لازم است قدری در روش قرآن شناسی، قرآن آموزی و قرآن پژوهی، تجدید نظر کنیم؛ یعنی به واقع‌گرایی و واقع‌نگری دینی که بسیاری از آیات قرآن به صراحت یا به اشاره، مسلمانان را به آن فرا می‌خواند، بیشتر توجه کنیم.

سزاوار است سنت‌های گفته شده در قرآن را جدی بگیریم، به ویژه آنهایی که مرتبط

با جامعه شناختی می‌شود؛ از جمله اینکه برای جوامع بشری اجل و مدتی مشخص یاد می‌کند (اعراف/۳۴). همچنین آنجا که هشدار می‌دهد چگونه بازتاب رفتار بدکاران و تکذیب کنندگان گریبان آنان را گرفت (آل عمران/۱۳۷)، یا اینکه ایمان و تقوای عملی را موجب فزونی و نزول برکات الهی از آسمان می‌داند و متقابلاً ناسپاسی و تکذیب را عامل گرفتاری و سقوط جامعه قلمداد می‌نماید (اعراف/۹۶) و از این دست سنت‌ها و قواعد عینی در قرآن به وفور ثبت شده است؛ بی‌توجهی به آنها مساوی است با تعطیل کردن بخشی مهم و اساسی از کتاب هدایت ما مسلمانان!

بسیار گفته‌ایم و شنیده‌ایم که بخش فراوانی از آیات قرآن به حوزه مسائل اجتماعی و تنظیم روابط جامعه و افراد آن مربوط می‌شود، ولی آیا در این خصوص تأمل نموده‌ایم که نسبت آنها با رفتارها و گرایش‌های جامعه ما چگونه است؟ به نظر می‌آید نوبت آن رسیده نسبت به حجم فعالیت‌های قرآنی در طیف وسیع آن، یک نقد و بررسی جدی علمی صورت پذیرد تا از این سرمایه بزرگ الهی، شایسته‌تر در جهت رشد عقلانیت جامعه استفاده شود؛ مسئله‌ای که در فرهنگ مکتوب و شفاهی دینی ما مورد اهتمام ویژه‌ای قرار گرفته و در اصل، برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب اجتماعی، راهی جز دستیابی به این خرد ورزی و خردمندی نیست: اما متأسفانه به تعبیریکی از قرآن‌پژوهان «مفسران قرآنی در ظرف این چهارده قرن در تأویل قرآن و برداشت‌های عقلانی خود بسیار کوتاه آمده‌اند و تنها به توجیحات لغوی و شاهد آوردن از اشعار جاهلیت بسنده کرده‌اند.^۱

با فرض ضرورت ایجاد مدیریتی کلان و فراگیر در حوزه فعالیت‌های قرآنی، چند نکته مهم در این خصوص در خور تأمل است که توجه به آنها به کارآمدی و روزآمدی پژوهش‌های قرآنی کمک می‌کند و سبب می‌شود آموزه‌های قرآنی و یافته‌های تحقیق در جامعه عینیت فزاینده بیابد؛ به ویژه در دو عرصه فرهنگ و اقتصاد که اکنون با چالش‌های اساسی رو به رو هستیم. بی‌گمان زمانی می‌توانیم مدعی جامعه قرآنی باشیم که همه تعاملات و روابط ما بر متن قرآن منطبق باشد؛ بخشی از این مهم، در عرصه پژوهش‌های قرآنی تأمین می‌شود و یا حد اقل زمینه تحقق آن را فراهم می‌سازد.

۱. فولادوند، محمد مهدی، قرآن‌شناسی، ص ۴۶۱.

۱. مسئله محوری در پژوهش های قرآنی

در هر پژوهش علمی، مسئله محوری شرط اصلی آن است؛ به این معنا که پژوهشگر با اطلاعات قبلی پیرامون یک موضوع یا پدیده، طرح سؤال می‌کند و برای پاسخ دادن به آن، عملیات پژوهش را آغاز کرده، می‌کوشد با به‌کارگیری اصول علمی پژوهش، در مقام پاسخ به سؤال برآید. فرضیه پژوهش او در واقع پاسخ اجمالی به سؤال اصلی پژوهش است؛ چنانچه پژوهشگر در روند تحقیق بتواند فرضیه خود را اثبات کند، یک کار علمی انجام داده است که ممکن است به تولید دانشی جدید بینجامد، یا حداقل زمینه آن را فراهم کند و قهراً وقتی تولیدی جدید صورت گیرد، به تولید علم کمک می‌کند و هرچه سطح علمی یک جامعه از این طریق افزایش یابد، عرصه‌های اجتماعی مانند اخلاق، سیاست، فرهنگ و آداب اجتماعی، بالندگی پیدا خواهد کرد و تقلید جای خود را به تحقیق می‌سپارد. مسئله محوری در پژوهش های قرآنی به کارشناسان و پژوهشگران دینی کمک می‌کند کار تحقیق را نظام مند انجام دهند و براساس اولویت‌ها، فرصت و زمان را مدیریت کنند و از طرح مسائل غیر مهم و غیر ضرور پرهیز نمایند.

۲. اولویت های پژوهشی

این موضوع بر مسئله محوری مترتب است. وقتی پژوهشگر طرح سؤال می‌کند، بهتر است، بلکه ضرورت دارد به مسائلی پردازد که برای تعالی جامعه اهمیت دارد و می‌تواند در حل معضلات اثرگذار باشد. اولویت پژوهشی موجب می‌شود در عرصه تحقیقات قرآنی، راهبرد مطالعاتی شکل بگیرد و در نتیجه چشم انداز پژوهش های قرآنی مشخص می‌گردد. نکته مهم تر اینکه قرآن و آموزه های آن باید به گونه ای جذاب مطرح شود که جامعه اسلامی به صورت مستمر به آن رجوع نماید و متأسفانه هنوز این احساس نیاز به شکل واقعی آن نهادینه نشده است. مراجعات عامه مردم و گاهی هم خواص به قرآن هنوز بیشتر سطحی و ظاهری است و گاهی آن قدر تنزل می‌یابد که انسان از مشاهده آن رنج می‌برد. به نظر نگارنده محور اولویت‌ها باید ارتقای عقلانیت جامعه باشد؛ این یک امر زیربنایی و اساسی در انتقال مفاهیم قرآنی به لایه های اجتماعی است که سبب ماندگاری آن نیز هست. امروزه بخش فراوانی از مقالات و پژوهش های قرآنی میان خود

پژوهشگران می‌چرخد و گاه برای احراز رتبه یا ارتقای آن تهیه می‌گردد؛ در حالی که این حجم پژوهشی می‌تواند و باید، زمینه یک تغییر بزرگ فرهنگی را به وجود آورد یا حداقل در این تحول، نقش مؤثری داشته باشد.

۳. پژوهش بر اساس نیازسنجی

نیازسنجی در هر پژوهش، مهم‌ترین شرط تأثیرگذاری و موفقیت در فرایند تحقیقات است که در نتیجه سبب می‌شود به یک سلسله اقدامات در جامعه منجر گردد و هرچه این مسئله دقیق‌تر و نظام‌یافته تر انجام شود، یافته‌های پژوهش عینی‌تر شده، ثمربخشی آن افزایش می‌یابد. این نیازسنجی به ما کمک می‌کند تا اولویت‌های پژوهشی را نظام‌مند کرده، به تدریج فاصله میان تولیدات علمی قرآنی را با اجرایی شدن آن در جامعه کاهش دهیم؛ مسئله‌ای که همواره از آفت‌های جدی فعالیت‌های دینی و قرآنی و اصولاً تحقیقات اجتماعی است که چرا نتایج آن در جامعه کمتر بروز و ظهور پیدا می‌کند.

۴. توجه به راهبرد تدبیر در قرآن

(راهی برای مشارکت عامه مردم برای فهم قرآن)

گمان می‌رود همیشه یک پرهیز جدی از ورود به مفاهیم قرآنی در فرهنگ دینی ما وجود داشته و دارد و البته از یک نظر کاملاً درست است؛ زیرا قرآن کتاب و کلام الهی است و فهم آن به دقت‌ها و راهکارهای علمی نیاز دارد و روایات عدم جواز تفسیر به رأی نیز ناظر به همین نکته است. با این همه جای این پرسش است که چرا خداوند بارها مخاطبان قرآنی را به صورت عام به تدبیر و تعقل فرا می‌خواند؟ می‌دانیم تدبیر و تعقل یک فرایند ذهنی است که فرد در رویارویی با پدیده‌ها انجام می‌دهد و تدبیر از میان این واژه‌ها بیشتر به تأثیرپذیری قلبی و تغییر رفتار متمایل است^۱ و همین امر علت تفاوت آن با

۱. برخی در بیان فرق میان تدبیر و تفکر گفته‌اند: تفکر عبارت است از تحقیق در علت و خصوصیات یک پدیده و تدبیر به معنای تحقیق در آثار و نتایج یک شیء است (مکارم شیرازی، ناصر، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۳، ص ۳۴۵. همچنین مراجعه شود به: «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم»، نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۵-۵۵).

تفکر است. عمومی کردن فهم بیشتر آیات قرآنی، با رواج فرهنگ تدریس امکان پذیر است.^۱ همه نمی‌توانند به دنبال دانش تفسیر بروند، اما می‌توان راهکارهای تدریس قرآن را برای همه قشرهای اجتماعی تبیین نمود و این به یک عزم جدی نیاز دارد تا از این طریق بتوان در رفتار انسان‌های باورمند به قرآن، تغییری به وجود آورد. به عبارت دیگر در روش تدریس خود فرد می‌تواند پایبند شود. «عامل» باشد و با تدریس کلام الهی به آثار عینی آنها پی برد و به عمل کردن به آن پایبند بشود.

برای تبرک جستن به قرآن، آیات مربوط به مقوله تدریس ذکر می‌شود. این واژه با مشتقات آن در چهار آیه آمده است:

۱. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص/ ۲۹)

[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند.

۲. ﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ﴾ (مؤمنون/ ۶۸)

آیا در [عظمت] این سخن نیندیشیده‌اند، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است.

۳. ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد/ ۲۴)

آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند یا [مگر] بردل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟

۴. ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/ ۸۲)

آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.^۲

نکاتی که به اجمال از این آیات قابل برداشت است:

۱. در همه این آیات، مورد و متعلق تدریس، خود قرآن کریم است.

۲. نتیجه تدریس، افزایش عقلانیت انسان‌ها و حقانیت قرآن است.

۱. رجوع شود به: فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۲۱، ص ۷۲، ذیل آیه ۲۴ سوره محمد.

مؤلف این آیه را دلیل ضرورت مراجعه عامه مردم برای فهم و تدریس آموزه‌های آن می‌داند.

۲. ترجمه دکتر فولادوند

۳. مرکز تدبیر، قلب است که ابتدا باید آن را از ناخالصی‌ها پاک نمود تا آینه سان بازتاب مراد الهی از آیات باشد.

۴. مخاطب آیات، همه گروه‌های انسانی هستند؛ اعم از: مؤمن، اهل کتاب، مشرک، کافر و منافق.

جمع‌بندی

قرآن کتاب برنامه زندگی است؛ پژوهش‌های قرآنی باید این برنامه را طراحی کند. این طراحی به معرفت‌شناسی و شناخت ضرورت‌ها نیاز دارد؛ شناخت ضرورت‌ها یعنی یافتن پرسش‌های اساسی جامعه؛ دریافت پرسش‌ها یعنی تشخیص اولویت‌ها؛ و این یعنی ضرورت نیازسنجی‌ها و همه اینها یعنی مدیریت فرصت‌ها، و توانمندی‌ها برای بهره‌وری بهینه از سرمایه‌های فکری در جهت ارتقای خرد عمومی قرآنی در متن جامعه اسلامی و در نهایت انطباق رفتاری افراد با آموزه‌های قرآنی.

امید آنکه در این عرصه گام‌های استوارتری برداشته شود تا فرهنگ قرآنی در متن جامعه پدیدار گردد و همگان طعم زیبایی معنوی و دنیایی حیات طیبه دینی را بیشتر احساس نمایند.

منابع

۱. قرآن.
۲. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۳. مکارم شیرازی، ناصر (آیه الله) الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۴۲۱ق.
۴. فولادوند، محمد مهدی، قرآن‌شناسی، مؤسسه فرهنگی - هنری سینمایی الست فردا، ۱۳۸۰ش.
۵. لطیفی، میثم، «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم» اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰، ش ۱۰، پاییز و زمستان.